

کارآمدی نظام انتخاباتی با تأکید بر طرح علامه مصباح یزدی در گزینش سیاسی کارگزاران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

تاریخ تأیید: ۱۴۰۱/۰۷/۲۱

مسعود سوری *

چکیده

در دنیا نظام‌های انتخاباتی مختلفی وجود دارد که هر کدام بسته به شرایط جامعه و تفکرات حاکم بر آن غرضی را دنبال می‌کنند. از آنجایی که در ایران یک نظام دینی حکومت می‌کند، آیا گزینش سیاسی کارگزاران آن برطبق نظام انتخاباتی غرب می‌تواند خواست شریعت و مردم مسلمان شیعه را تأمین کند؟ با بررسی انتخابات چهار دهه گذشته جمهوری اسلامی ایران و افراد منتخب، به این نتیجه رسیدیم که در واقعیت نوع گزینش سیاسی، با آرمان‌های جمهوری اسلامی ایران همخوانی ندارد و ماحصل انتخابات، نمی‌تواند آن چیزی باشد که آرمان‌ها و ارزش‌های حاکم بر جامعه انتظار دارد. لذا با بررسی نظام‌های انتخاباتی به ایده‌ای از یک فقیه فیلسوف رسیدیم که بر طبق آن یک نظام انتخاباتی بومی و مطابق با شرع مقدس ارائه شده که در فرآیند آن افراد دارای تعهد و تخصص برای مناصب انتخاب می‌شوند. در این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی به بررسی نظریه‌های گزینش سیاسی رایج (لیبرال دموکراسی و مردم سالاری دینی) و بیان طرحی نو برای انتخاب مسئولین پرداخته شده است.

واژه‌های کلیدی: کارآمدی، گزینش سیاسی، نظام انتخاباتی، کارگزار.

* دانش آموخته کارشناسی ارشد رشته فقه سیاسی، دانشگاه باقرالعلوم (ع).

مقدمه

یکی از مسلمات سیاست، تشکیل حکومت است. وجود حکومت، امارت و حاکم از امور الزامی شمرده شده است تا جایی که علی (ع) می فرماید: مردم به حاکم نیاز دارند چه خوب و چه بد.^۱ بر طبق این نظر حکومت‌ها به دو دسته عادل و ظالم تقسیم می‌شوند.

حکومت «عادل» حکومتی است که در رأس آن امام معصوم علیه السلام حکمرانی کند و در صورت غیبت حجت خدای متعال، فقیه جامع الشرایط (قدرت استنباط احکام دین، مدیر، مدبر، شجاع) امور را به دست بگیرد و در زمان و مکانی که برای فقیه تعذر وجود داشت، عدول مومنین این امر را اداره نمایند این سلسله را حکومت عادل و غیر آن را حکومت ظالم و جور می‌نامند.

حکومت در زمان امام معصوم علیه السلام به ید قدرت اوست و در صورت غیبت، اداره حکومت برعهده فقها می‌باشد. از آنجا که حکومت از امور حسبه می‌باشد، شارع راضی به ترک آن نیست و خواستار تحقق آن در خارج می‌باشد.^۲ امور حسبه حتماً باید متولی داشته باشد تا تحقق پیدا کند، امور حسبیه باید سرپرست خاص شرعی داشته باشد. در درجه اول این سرپرستی در عصر غیبت برعهده فقیه جامع الشرایط است. حال سؤال این است که در نبود فقیه جامع الشرایط آیا این امور تعطیل می‌شوند؟ در جواب باید گفت که بر طبق نظر غالب فقها؛ در این امور اگر دسترسی به فقیه جامع الشرایط مقدور نبود و از آنجا که شارع مقدس راضی به اهمال و تعطیلی این امور

۱. «لَا بُدَّ لِلنَّاسِ مِنْ أَمِيرٍ بَرٍّ أَوْ فَاجِرٍ» خطبه ۴۰ نهج البلاغه.

۲. امام خمینی، کتاب البیع، ج ۲، ص ۶۶۵.

نمی‌باشد، پس بعد از فقیه نوبت به عدول مومنین می‌رسد و برای رها نشدن این امور مومن عادل اذن تصرف دارد.

آنجایی که دسترسی به فقیه مقدور نیست، مومن عادل می‌تواند اذن تصرف داشته باشد، آیا می‌شود این صفت را در گزینش سیاسی ملاک قرار داد؟ فردی که می‌خواهد مسئولیتی به دست بگیرد به شکلی ولایت بر دیگران دارد، آیا لازم است که او هم دارای وصف عدالت باشد به گونه‌ای که انتخاب او را منوط به داشتن عدالت دانست؟

مفاهیم

۱- کارآمدی: کارآمدی در لغت به معنای کاردانی، کارآزمودگی، شایستگی و انجام کارها به خوبی و شایستگی است.^۱ انجام کارها به نیکویی.^۲ در فرهنگ علوم سیاسی این اصطلاح به اثر بخشی، نفوذ، کفایت، قابلیت، و لیاقت معنا می‌شود. در تعریفی دیگر کارآمدی با کارآرایی مترادف گرفته شده و این گونه تعریف شده است: قابلیت و توانایی رسیدن به هدف‌های تعیین شده و مشخص.^۳ کارآمدی به معنای استفاده حداکثری از منابع موجود برای رسیدن اهداف ترسیم شده می‌باشد.

۲- گزینش سیاسی: گزینش سیاسی فرآیندی است که به وسیله آن افراد، مقامات رسمی را در نظام سیاسی به دست می‌آورند یا در نقش صاحب‌منصبان رسمی، اساساً در مقامات سیاسی و اداری ظاهر می‌شوند، اما در بعضی موارد در نقش منصب‌داران دیگر مانند اعضای قوه قضائیه، پلیس و ارتش خدمت می‌کنند.^۴

در واقع گزینش سیاسی ابزاری است که به واسطه آن مردم، خواست خود را برای اداره امور به واسطه انتخاب مسئولین ابراز می‌دارند.

۱. حسن عمید، فرهنگ فارسی، ج ۳، ص ۱۹۱۹.

۲. علی اکبر دهخدا، لغت نامه دهخدا، ص ۱۵۸۲۵.

۳. علی آقابخشی، فرهنگ علوم سیاسی، ص ۴۴۶.

۴. مایکل راش، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ص ۱۴۴.

۳- نظام انتخاباتی: نظام انتخاباتی شیوه و سازوکاری برای تبدیل آرای مردم به کرسی‌های نمایندگی است. گزینش نوع نظام انتخاباتی تأثیر فراوانی در تحقق انتخابات واقعی و اصیل، صیانت از حقوق انتخاباتی و گزینش کارگزاران کارآمد دارد. نظام انتخاباتی زمانی کارآمد خواهد بود که متناسب با ماهیت و ساختار نظام سیاسی کشور، اصول و قواعد انتخابات رقابتی و منصفانه و توزیع عادلانه و منصفانه مناصب بین رقبا باشد.

مقصود از نظام انتخاباتی، نظامی است که آراء را به مناصب و پست‌های سیاسی تبدیل می‌کند. مهمترین ابعاد این بحث عبارت‌اند از: فرمول انتخاباتی (نظام اکثریت ساده، اکثریت مطلق، نمایندگان تناسبی)، وزن عددی حوزه‌های انتخاباتی (نمایندگان هر حوزه، حد نصاب اکثریت مطلق، نمایندگی تناسبی)، حد نصاب انتخاباتی (حداقل حمایتی که هر حزب برای کسب منصب به دست می‌آورد) و ساختار برگه رأی.^۱ مقصود از نظام انتخاباتی، اتخاذ شیوه‌ای است که نتایج آن به بهترین وجه منعکس‌کننده گرایش‌های رأی‌دهندگان باشد.^۲

۴- عدالت: عدالت در لغت: عدالت از ماده «عدل» است و عدل در لغت به «ضد جور» معنای شده است: «العدل هو ضد الجور».^۳ «عادل بودن، انصاف داشتن، دادگر بودن».^۴ شیخ مرتضی انصاری عدالت را از حیث لغوی به معنای «استوا» گرفته است: «العدالة لغة: الاستواء».^۵

۱. حسین بشیریه، درس‌های دموکراسی برای همه، ص ۱۵۶.

۲. ابوالفضل قاضی، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، ج ۱، ص ۷۲۸.

۳. محمد بن منظور، لسان العرب، ص ۴۳.

۴. فرهنگ فارسی عمید، ص ۸۵۹.

۵. مرتضی انصاری، مکاسب، ج ۳، ص ۱۶۳.

عدالت در اصطلاح: هرکس کارمخصوص خود را انجام دهد و در کار دیگران مداخله نکند.^۱ عدالت ملکه نفسانی است که باعث ملازمت تقوا در اقامه واجبات و ترک منهیات (گناهان کبیره به طور مطلق و گناهان صغیره‌ای که بر آنها اصرار ورزیده می‌شود) می‌گردد.^۲

از آنجایی که انتخابات حال حاضر در کشور ایران برگرفته از غرب می‌باشد متناسب با ارزش‌های جامعه ما نمی‌باشد و دارای ایرادات فراوانی می‌باشد.

۵- کارگزار: کارگزار ترجمه «عامل» است. در معنای لغت عامل گفته اند:

«عامل کسی است که امور شخص را در مال، ملک و کارهای او برعهده گیرد و متولی او باشد از همین جاست که به مسئول دریاف زکات عامل گفته‌اند».^۳

در خصوص مفهوم کارگزار سیاسی نیز باید گفت:

کارگزار در سیستم حکومتی، عبارت از عاملی است که در حوزه کاری مربوط به خود به انجام یک نقش و ایفای یک وظیفه و تحقق آن می‌پردازد.

مبانی نظری

دولت به معنای عام آن (حکومت با تمام اجزاء) نیاز به کارگزارانی دارد تا با پذیرفتن مناصب و مسئولیت‌های دولتی در انجام خدمات و رشد و تکامل مردم آن سرزمین همت گمارند و از جانب مردم در امور دولت نقش ایفا کنند. توجه به امر پرورش متخصص و قرار گرفتن افراد شایسته در فرایند کلان تصمیم‌گیری و مسئولیت‌های سیاسی و اجرایی یکی از موضوعات مهم و راهبردی در نظام‌های سیاسی است که خواهان تحول مثبت، پیشرفت، توسعه و کارآمدی می‌باشند. برای

۱. افلاطون، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، ص ۲۳۶.

۲. زین الدین العاملی، الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه، ج ۲، ص ۳۰۰.

۳. ابن منظور، لسان العرب، ج ۱۱، ص ۴۷۴.

اینکه مردم بتوانند در دولت دارای منصب و مسئولیت گردند، نیاز به گزینش سیاسی است تا با روشی نظر مردم و رأی‌های آنان را تبدیل به مقام و منصب برای آنها می‌کنند که خود را در معرض انتخاب مردم قرار داده‌اند. هر حکومتی به دنبال آن است که با در نظر گرفتن شرایطی نخبگان آن جامعه را وارد امور حکومت داری نماید و این امر را به مردم سپرده تا با انتخاب خود به این امر تحقق بخشند. زمانی این خواسته محقق می‌شود که یک نظام انتخاباتی طرح ریزی شده باشد که این هدف را تأمین نماید.

درواقع نیاز به راهکاری است تا فرآیند خواست مردم تبدیل به مسئولیت افراد در حاکمیت شود. لذا نظام انتخاباتی که با افکار جامعه، فرهنگ، سیاست، اقتصاد و آموزه‌های حاکم بر آن مطابق باشد می‌تواند زمینه رشد و تکامل را در عرصه مسئولیت مردم در دولت به ارمغان بیاورد؛ به عبارت دیگر بین نظریه سیاسی دولت و گزینش سیاسی و نظام انتخاباتی رابطه تنگاتنگی است و اگر این رابطه شکل بگیرد شاهد کارآمدی حکومت به واسطه مدیران، مسئولین و نمایندگان منتخب مردم خواهیم بود. یک نظام انتخاباتی مناسب فرایند گزینش سیاسی مطلوب را شکل می‌دهد و با گزینش سیاسی دقیق، دولت متخصص و کاردان به بار می‌آید.

دموکراسی

یک اصل مهم در تدوین نظام انتخاباتی این می‌باشد که: آن نظام انتخاباتی باید منطبق با ارزش‌ها و هنجارها و فرهنگ حاکم بر جامعه باشد، اگر نظام انتخابات این ویژگی را نداشته باشد قطعاً نمی‌تواند تأمین کننده خواست حاکمان و مردم آن حکومت باشد. سئوالی که مطرح می‌شود این است که آیا دموکراسی غربی در جامعه‌ای که برگرفته از آموزه‌های دینی است قابل اجرا است؟ برای رسیدن به این جواب به بررسی اجمالی دموکراسی می‌پردازیم؛

دموکراسی واژه‌ای یونانی است و کاربرد اجتماعی و سیاسی آن به معنای حاکمیت مردم، یا حق همگانی برای شرکت در تصمیم‌گیری در امور همگانی است.

دموکراسی یا حکومت مردم سالاری، در متون کلاسیک به «حکومت مردم بر مردم» برای مردم تعریف شده است. با وجود تعاریف متعدد از دموکراسی، مشارکت سیاسی شهروندان برای اتخاذ تصمیم، مفروض اساسی دموکراسی است، ولی عمدتاً در تعریف دموکراسی، سه اصل «آزادی»، «برابری» و «مشارکت در اتخاذ تصمیم‌های سیاسی» ذکر می‌شود و برخی هم این اصول را شامل سه اصل «مشروعیت»، «برابری» و «آزادی» می‌دانند.

دموکراسی یا «مردم سالاری» زمانی در غرب شروع شد که آیین مسیحیت که به دست مردم بود دیگر پاسخگوی زندگی انسان به ویژه زندگی اجتماعی او نبود، برای حل این مشکل به این نتیجه رسیدند که رابطه خود با خدا را در عرصه اجتماعی قطع کنند. در واقع دین فقط در محدوده مسائل فردی افراد نظر دهد که دعا بکن، مناجات بکن، نماز بخوان، توبه بکن ولی دیگر در مسائل اجتماعی به دستورات مسیحیت (تحریف شده) اعتنایی نکنیم. به این ترتیب غرب تکلیف خود را با دین مشخص کرد و در مسائل اجتماعی، سیاسی، اقتصادی چشم بر روی دستورات الهی بست. مسئله‌ای که بعد از این اتفاق برای غربی‌ها رخ داد این بود که حالا خدا را از حکومت کنار گذاشتیم، چه کسی را بر مسند حکومت بنشانیم؟ و به این نتیجه رسیدند که انسان خود عاقل و بالغ است و می‌تواند مصلحت و مفسده خود را تشخیص دهد پس مطابق نظر خود قانون جعل نماید. براین اساس و نظریه، مردم محور قرار می‌گیرند و خواست مردم می‌شود ملاک تصویب قوانین و از آنجایی که خوب و بد، مفهوم اعتباری هستند تا زمانی که مردم مسئله‌ای را خوب قلمداد کردند، آن خوب است و وقتی که مسئله‌ای را بد تلقی کردند آن بد محسوب می‌شود. این را غربی‌ها دموکراسی نامیدند که اتکاء بر رأی و نظر مردم دارد.

مؤلفه‌های اصلی دموکراسی

۱- حق مشارکت همگانی: از آنجایی که دموکراسی حکومت مردم بر مردم است یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های آن حق مشارکت برای تمام افراد جامعه می‌باشد. برای اینکه رژیم سیاسی خصلت مردم‌سالاری داشته باشد، باید بزرگترین شمار مردم در صورت بندی قدرت و امور عمومی و سیاست مشارکت داده شوند.^۱

۲- وجود آزادی: اساساً برای اجرای دموکراسی اگر تنها به وجود مشارکت سیاسی بدون وجود آزادی‌ها اشاره شود، نوعی مغالطه بنیادین روی داده است؛ زیرا اصولاً ارزش دموکراسی و مشارکت سیاسی به آزادانه بودن انتخاب‌ها خواهد بود. لذا وجود آزادی‌های؛ حق حیات، آزادی اندیشه، آزادی هواداری و مخالفت، آزادی تحزب، حق برابری، آزادی تجمعات، حفظ حریم خصوصی، آزادی مالکیت و دادرسی عادلانه از بنیادهای عملی و پایه‌های ساختاری مردم‌سالاری هستند که گرچه در همه کشورها مطلق نبوده و نیستند، اما سلب سیستماتیک آنها توسط دولت‌ها مخالف تشکیل هر گونه مردم‌سالاری تلقی می‌شود.^۲

۳- تسامح و چندگانگی سیاسی: از آنجایی که انسان‌ها با یکدیگر متفاوت هستند و تفکر واحدی ندارند، نیاز به رسمیت‌شناسی تمامی نظرات است که در دموکراسی این یک اصل به رسمیت شمرده شده است. البته این چندگانگی سیاسی هم در محدوده قانون ملاک است چرا که هر عقلی قبول می‌کند که اگر قرار باشد این چندگانگی سیاسی بی ضابطه و قانون باشد، تسامح در مقابل آن به بی نظمی و هرج و مرج تبدیل می‌شود.

۱. سیدابوالفضل قاضی شریعت پناهی، بایسته‌های حقوق اساسی، ص ۱۱۸.

2. Denis Galligan & Mila Versteeg(2013). Law, David S. The Myth of the Imposed Constitution, The Social and Political Foundations of Constitutions (eds) Cambridge University Press 2013; Washington University in St. Louis Legal Studies Research Paper No. 13-05-01. Available at, pp. 239-68.

۴- حکومت اکثریت و احترام به اقلیت: اصل حکومت اکثریت شکل متمدنانه-ی، امروزی ترین حکومت، قوی ترین است و چاره‌ای نیست که اکثریت اراده عام فرض شود.^۱ این مدل، حکومت اکثریت را نوعی راه حل می‌داند و دموکراسی را با حق - حداقل - یکی نمی‌داند و تنها کم‌عیب‌ترین راه برای امیدوار کردن مردم و برای مسالمت آمیز شدن اوضاع از آن استفاده می‌کند. البته برخی نظریه‌های مردم‌سالاری؛ حکومت اکثریت با رویکردهای اومانستی را حقانی ترین راه دانسته و با توجه به اصالت خواسته‌های انسانی اکثریت، آن را بهترین راه حل می‌دانند.

۵- اصل برابری: منظور از اصل برابری این است که در نظام دموکراسی؛ افراد، گروه‌ها و احزاب سیاسی نسبت به یکدیگر از لحاظ حق حکومت، برتری و امتیازی ندارند. همه مردم قطع نظر از هویت‌های قومی، مذهبی، طبقاتی و یا گرایش‌های سیاسی، حق اعمال حاکمیت دارند. برابری سیاسی اصل مشترک هم در دموکراسی‌های آنتی و هم در دموکراسی‌های مدرن است.

۵- نظارت همگانی: در همه دموکراسی‌ها حاکمانی که توسط مردم تعیین شده‌اند باید مسئول و پاسخ‌گوی تصمیمات و اعمالی باشند که انجام می‌دهند. به همین دلیل باید عامه مردم نیز بتوانند از آنان در مورد اعمال و تصمیماتشان پرس‌وجو کنند و در صورت لزوم، بر طبق قانونی که آن را نیز خود وضع نموده‌اند آنان را عزل نمایند. هر قدر که نهادها و راهکارهایی قوی برای نظارت همگانی وجود داشته باشد دموکراسی کامل‌تری تحقق خواهد یافت.

۶- اصالت قانون: قانون و قانون‌گرایی یکی دیگر از ارکان دموکراسی است. حکومت مردم بدون وجود قانون، دموکراسی نیست. کارویژه قانونی که مردم بر اساس اصل حاکمیت خود وضع می‌کنند دو امر اساسی است: از یک سو راه مطمئنی برای

۱. سیدابوالفضل شریعت پناهی قاضی، بایسته‌های حقوق اساسی، ص ۱۲۰.

جلوگیری از استبداد و خودکامگی است و از جهت دیگر ابزاری است برای نظارت مردم بر حاکمان از طریق تطبیق اعمال و تصمیمات آنان با قوانین موجود. بالاترین و اساسی‌ترین قانون در یک جامعه قانون اساسی است که به-عنوان مجموعه‌ای از اصول و قواعد بنیادی و کلی، چارچوبی برای سامان دادن به روابط قدرت در حکومت است و با ایفای دو کارویژه مذکور اساس دموکراسی به شمار می‌رود.

مردم سالاری دینی

در مردم سالاری دینی در واقع مردم همانند نظریه دموکراسی حق حکومت دارند البته این حق حکومت در چارچوب دین صورت می‌گیرد؛ به عبارت دیگر نظرات مردم تا زمانی که مخالف دین نباشد قابل طرح و رسیدگی می‌باشد. از نظر حقوق عمومی تطبیقی و علوم سیاسی مدرن نظریه مردم سالاری دینی یک نظریه سیاسی است که ارزش‌های یک مذهب خاص بر قوانین و مقررات تاثیر می‌گذارد. این اصطلاح در مورد تمام کشورهای که مذهب به شکل حکومت در آمده است، اعمال می‌شود.

مؤلفه‌های اساسی مردم سالاری دینی

۱- توحید محوری: یکی از اصل‌های مشترک در بین تمام ادیان الهی، توحید است. در واقع مردم بندگی خدا را بر دوش می‌گیرند و غیر خدا را نمی‌پذیرند. در مردم سالاری دینی، مردم فقط در ساحت قدس الهی خاضع اند، اما در دموکراسی غربی و مردم سالاری غیر دینی، طوق طاعت کسی را به گردن می‌نهند که اکثریت آرا را کسب کند؛ هر کسی که باشد.^۱

از آنجایی که دموکراسی منهای خدا طرح ریزی شده است و محوریت در آن، با خواست انسان می‌باشد، هر آنچه را که انسان به آن میل داشته باشد، قانون می‌شود، با تعالیم قرآن و اسلام در تضاد می‌باشد، چراکه در اسلام حاکمیت و تشریح از آن خدای

۱. عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، ۱۳۸۵، ج ۳، ص ۱۸.

متعال است؛ «إِنَّ الْحُكْمَ إِلَّا لِلَّهِ»^۱. فقط خدای متعال است که تمام مصالح و مفاسد انسان را می‌داند و حق قانون‌گذاری و تصمیم‌گیری برای انسان را دارد و انسان هم در برابر این قوانین و تصمیمات الهی، عبد می‌باشد و باید بدون چون و چرا درصدد اطاعت و تبعیت از فرامین، دستورات و احکام الهی برآید.

۲- آزادی‌های مشروع: وقتی برای کسی حق مشارکت در نظر گرفته می‌شود اصل آزادی نیز در آن نهفته است و در انتخاب باید دارای آزادی باشد وگرنه مشارکت معنایی ندارد. یکی از فواید دین، نجات انسان‌ها از چنگال اسارت است؛ زیرا همیشه زمامداران مادی برای تثبیت موقعیت خود، انسان‌ها را به غل و زنجیر کشیده و اموری را بر آنها تحمیل کرده‌اند؛ اما انبیای الهی علیهم‌السلام «آمدند تا به انسان آزادی ببخشند و از بارهایی که بر دوش آن‌ها سنگینی می‌کند، آنان را آزاد کنند»^۲.

آنچه مردم سالاری دینی با دموکراسی را کاملاً از هم متمایز می‌کند ماهیت این دو نظریه است. در مردم سالاری دینی مبنا «خدا محوری» است اما در دموکراسی مبنا «اومانیزم» می‌باشد. مردم سالاری دینی که بر محور توحید بنا شده است در هیچ فصلی نمی‌تواند مشترک با دموکراسی باشد که بر اساس خواست انسان طرح ریزی شده است.

در واقع اسلام با این نوع مردم سالاری مخالف است و بر نمی‌تابد که هرآنچه را که مردم راضی باشند، قانون شود. احکام شرع مقدس مقدم بر خواست و رضایت مردم می‌باشد، در دموکراسی اگر مردم راضی به رسمیت شناختن همجنس‌گرایی برآیند آن تصویب می‌شود و دارای حق می‌گردد و به رسمیت شناخته می‌شود، حال اینکه در اسلام این قوانین خلاف شرع بوده و اگر همگان هم به آن رضایت داشته باشند دلیلی بر اجرا و تصویب آن نمی‌باشد.

۱. حاکمیت فقط از آن خداست. سوره یوسف (۱۲)، آیه ۶۷.

۲. عبدالله جوادی آملی، انتظار بشر از دین، ص ۵۲.

دموکراسی غربی روی آوردن به آرای جمعی و بی نیازی از احکام و دستورات دین می باشد و این یعنی مقابله و سرپیچی از اطاعت پرورگار است. در واقع این اهمیت دادن به رأی مردم و پشت کردن از حکم الهی می باشد که این خود شرک جدید دنیای معاصر است.

مردم سالاری دینی به این معنا نیست که هر آنچه دموکراسی دارد و مورد پذیرش دین است را می توان اتخاذ کرد و آنچه را دین مردود می داند، رها کرد. در واقع ماهیت مردم سالاری دینی با ماهیت دموکراسی متفاوت است و هر آنچه که زایده دموکراسی باشد با مردم سالاری دینی متفاوت است.

انتقادات به دموکراسی

سابقه نقد به دموکراسی به ایام خیلی دور بر می گردد تا جایی که افلاطون و ارسطو را از منتقدان سرسخت آن برشمارند.^۱ ایرادات به دموکراسی را می توان به دودسته تقسیم نمود:

- ۱- انتقاد به اصل و اساس دموکراسی که منتقدین این دسته ضد دموکراسی هستند.
- ۲- به ندرت می توان رژیم دموکراتیکی پیدا کرد که منطبق با ایده آل تئوری دموکراسی باشد.

مطالعه تاریخ نشان می دهد برخی موضوع اول را مورد نقد خود قرار دادند و برخی دیگر هم موضوع دوم را اختیار کرده اند و اصل دموکراسی را قبول داشته و به پیاده سازی آن ایراد کرده اند و می گویند چنین چیزی شدنی نمی باشد. در این مقاله هم به بررسی موضوع اول می پردازیم. اغلب منتقدین این گروه، انسان های سرشناسی هستند. به نظر آنان دموکراسی قلمرو تفرقه و تشتت و بی ثباتی و نیز عرصه دیکتاتوری اکثریت و باعث بی مایگی است و وحدت ملی را ضایع می کند، یک نوع جنگ

۱. حمید عنایت، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، ص ۲۴.

داخلی به وجود می‌آورد که گاهی اینجا و گاهی آنجا را به آتش می‌کشد، افراد کم هوش و میان مایه به قدرت می‌رسند، رژیم مبتنی بر حزب بازی است. بازی سیاسی در کشمکش افراد برای تأمین منافع شخصی خلاصه می‌شود و این امر باعث عوام فریبی و فراموشی منافع عمومی است. از دید منتقدین؛ دموکراسی الزاماً به هرج و مرج و لذت جویی توده‌ها و یک مشت مساوات جویی مادی منجر می‌شود و مفهوم نفع عام به یک مفهوم مبتذل تبدیل می‌گردد.^۱

ایرادات اصلی دموکراسی

واضح نبودن دموکراسی

یکی از معایب دموکراسی واضح نبودن و مبهم بودن ماهیت آن می‌باشد و از آن برداشت‌های متفاوتی شده است و این ابهامات در دموکراسی یکی از ایرادات اساسی آن شمرده شده است.

«دموکراسی مفهومی پیچیده و چند بعدی است و ابهامی که در معنای آن وجود دارد ناشی از تأکید است که صاحب نظران و هواداران دموکراسی بر وجود خاصی از آن می‌کنند. این حکومت‌های گوناگون خود را دموکراتیک می‌خوانند به دلایلی، چندان شگفت آور نیست، زیرا سنت اندیشه دموکراتیک بسیار گسترده و مشحون از اندیشه‌های متفاوت و حتی متعارض در باره مبانی پیدایش نهاد انسان، کار ویژه‌های حکومت و... است»^۲.

درواقع برداشت‌ها متفاوت از ارکان دموکراسی باعث ایجاد ابهام در این نظریه شده است که خود از ایرادات به این طرح می‌باشد. به طور مثال دموکراسی را حکومت

۱. بهرام اخوان کاظمی، رویکردی به مردم سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، زمستان ۱۳۸۲، سال هفتم، شماره ۴.

۲. حسین بشیریه، تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های قرن بیستم، ص ۴۲.

مردم بر مردم قلمداد کرده‌اند، منظور از مردم چه افرادی هستند؟ آیا توده مردم مد نظر است؟ یا مجموعه‌ای از نمایندگان و یا رأی دهندگان؟

دموکراسی و فریب کاری

از آنجایی که نظر مردم و تعداد آراء ملاک است، زمینه فریب کاری به وجود می‌آید. در دموکراسی رأی یک فرد عادی و بی سواد با یک دانشمند و خیره برابر شمرده شده است و این در صورتی است که عامه مردم دارای تخصص نیستند، با هزینه‌های هنگفت و تبلیغات فراوان می‌شود خواست افراد یا احزاب را به مردم عادی القاء نموده و نتیجه دلخواه را کسب می‌کنند.

عدم تأمین منافع عمومی

از آنجایی که منتخبین نیاز به رأی مجدد مردم دارند درصدد تأمین خواسته‌ها و منافع مردم بر می‌آیند و تمام تلاش خود را برای جلب رضایت آن‌ها انجام می‌دهند و عملاً از امور مهم و کلی برای پیشرفت و ریل گذاری و منافع ملی و عمومی باز می‌مانند. در دموکراسی هدف کسب منافع است، گروه و حزب را بر دیگر رقبا ترجیح می‌دهند، در واقع رأی دادن و سپردن مسئولیت را کاملاً دنیایی قلمداد می‌کنند و هر آنکه نفع بیشتری داشته باشد انتخاب می‌شود نه آنکه کارایی و تخصص مورد نیاز را دارا باشد.

مخالفت با آزادی

در واقع دموکراسی واژه‌ای زیبا، ولی همراه با تناقض می‌باشد. اگر قرار است که مردم آزاد باشند مسلماً در این آزادی هرکس به فکر خواسته خود می‌باشد و این باعث نا امنی می‌گردد و دولت برای ایجاد نظم و امنیت مردم را تحدید می‌کند و این محدود شدن افراد خلاف آزادی آنها به شمار می‌آید.

عدم اصل برابری

اصل برابری در زمان انتخابات معنا پیدا می‌کند ولی در حقیقت در شرایط عادی و غیر انتخابات برابری محلی از اعراب ندارد. مردم نسبت به مناصب و برخورداری از منابع برابر نیستند. سیاه و سفید، غنی و فقیر هیچ وقت در یک سطح به شمار نمی‌آیند، به عبارت دیگر در دموکراسی؛ برابری انسان‌ها، برابری ثروت‌ها و برابری وضع و حال مردم در عمل صادق نیست؛ بلکه بر مبنای برابری ظاهری در مقابل قانون و فرصت یکسان آنان است.

تعارض رسیدن به قدرت با دموکراسی و مبانی دموکراسی

غالباً افرادی که از روش دموکراسی به مسئولیت می‌رسند در صدد آن هستند تا با روش‌های غیر دموکراسی جایگاه خود را حفظ نمایند. وقتی صحبت از آزادی بیان می‌کنند مطلق آزادی نیست و آن چیزی مد نظر آنها می‌باشد که مخالف منافعیشان نبوده باشد؛ به عبارت دیگر برای حفظ دموکراسی دست به اعمالی می‌زنند که خلاف اصول دموکراسی است.

خطا در تصمیم‌گیری اکثریت

از آنجایی که حق رأی بین تمام افراد جامعه برابر است و فرقی بین رأی یک دانشمند متخصص با یک فرد بی سواد عامی نیست، انتخابات به بیراهه کشیده می‌شود و نتیجه انتخابات چیزی می‌شود که تأمین‌کننده منافع عموم نمی‌باشد و اینکه تعداد زیادی در موضوعی هم نظر باشند دلیل بر درستی آن موضوع نیست.

دموکراسی و بروز استبداد اکثریت

تن دادن به نظر اکثریت، متضمن خطر افتادن به دام دیکتاتوری است. دموکراسی در اختیار بودن تمام قدرت برای یک نفر را نمی‌پذیرد ولی تمام قدرت برای اکثریت را نفی نمی‌کند چون اصل در قانون، اکثریت است که حق را به طرف قدرتمند می‌دهد و اکثریت زور بیشتر دارند و این افتادن دموکراسی به دام استبداد است.

دموکراسی در اصل چماقی است تا به وسیله آن هرکشوری که ساز مخالف سرداد به واسطه دموکراسی، کشور مخالف را مورد فشار سیاسی و اقتصادی و نظامی قرار دهند. هستند کشورهایی که انتخابات در آن به صورت آزاد انجام می‌گیرد و منتخب مردم را نمی‌پذیرند و در مقابل هم پیمان خود را که هیچ‌گونه انتخابات آزادی در کشور آنها صورت نمی‌گیرد جزء دموکرات‌ترین کشورها محسوب می‌کنند و با حاکمان آن بلاد روابط حسنه‌ای برقرار می‌کنند.

این ایرادات اساسی باعث شد تا اندیشمندانی^۱، نسبت به دموکراسی مواضع سفت و سختی بگیرند و آن را از اساس مضر و غیر عقلایی قلمداد کنند.

از آنجایی که نظام انتخاباتی کشور طبق دموکراسی بر کثرت آراء طرح ریزی شده است این نظام انتخاباتی نمی‌تواند در مدل مردم سالاری دینی کارآرایی داشته باشد. باید در نظام انتخاباتی ملاک ارزش را مسائل دینی قرار داد تا به وسیله آن انتخاباتی صورت گیرد تا کارگزارانی در تراز حکومت دینی در آن به مناصب و مسئولیت‌ها برسند.

بررسی طرحی نو در گزینش سیاسی کارگزاران

در جمهوری اسلامی ایران که حکومتی برگرفته از اسلام و فقه شیعه است باید انتخابات و روی کار آمدن مسئولین به نحوی باشد که هم با دین موافق باشد هم با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه. اینکه عده‌ای با فریب و ترساندن مردم رأی کسب کنند یا انتخابات به گونه‌ای باشد که مشکلات نه تنها حل نشوند بلکه مشکلی دیگر هم بر آن افزوده شود، پسندیده نمی‌باشد.

بارها در مجلس شورای اسلامی دیده شده که کمیسیون‌های تخصصی مجلس به جای اینکه بر اساس تخصص و صلاحیت‌ها تقسیم شود بر اساس میل نمایندگان و لابی‌گری‌ها صورت می‌گیرد و این امر باعث می‌شود تا مجلس از آن جایگاه اصلی

۱. علامه طباطبائی، ارسطو، افلاطون و سقراط، دموکراسی را بدترین نوع حکومت به حساب می‌آورند.

خود که ریل گذاری مناسب برای قوه مجریه و دیگر بخش های نظام می باشد، تنزل پیدا کند و عملاً از رأس امور بودن خارج شود. در واقع می توان گفت که رأی گیری به این صورت و با این نظام انتخاباتی دارای معایبی است که زمینه برای ورود متخصصین در هر کمیسیون را فراهم نمی کند و باید به فکر نظام انتخاباتی بود که در پرتو آن بشود انتخاباتی بر اساس ارزش و تخصص صورت گیرد.

یکی از پیشنهاداتی که برای نوع جدید انتخابات ارائه شده، نظر علامه مصباح یزدی می باشد که طرحی نو در سپهر انتخابات کشور به شمار می آید. این نظریه که دارای محاسنی است و موافق با دین و ارزش های اسلامی و فقه جعفری می باشد به این شکل است:

نخست در هر ده و شهر و منطقه ای، از همه مردم خواسته شود که از میان خود افراد عادل را که می شناسند، معرفی کنند. هرکس یک یا دو یا سه یا چند تنی را که حقیقتاً عادل یافته است به مرکزی معرفی می کند. بدین طریق گروهی از افراد عادل شهر شناخته می شوند.

در دومین مرحله، کسانی که عدالتشان به وسیله شیاع مردم و یقینی که از این شیاع حاصل می آید معلوم شده است، سایر عدول شهر را که گمنامند و کسی آنان را معرفی نکرده است، می شناسانند. بدین سان مجمعی از همه عدول شهر تشکیل می شود. البته تعداد نسبت عدول شهر به تعداد کل نفوس شهر، در همه شهرها یکسان نیست. اگر جامعه ای کاملاً اسلامی شود و تربیت اسلامی در آن معمول گردد، ممکن است اکثریت قریب به اتفاق افرادش عادل بوده افراد فاسق و فاجر در آن نادر و استثنایی باشد.

در مرحله سوم افراد عادل شهر، بر حسب دانش و آگاهی و تخصص و کارایی خود، دسته بندی می شوند؛ به عبارت دیگر، عدول هر صنفی و هر قشری مانند کشاورزان، کارگران کارخانه ها و کارگاه ها، مهندسان، پزشکان، بازاریان، ارتشیان،

فرهنگیان و... معین و معلوم می‌شوند. بدین گونه مجمع عدول شهر، به چندین انجمن فرعی انقسام می‌یابد. اعضای هر انجمن، انسان‌های عادل‌ی هستند که همه در یک علم و فن و حرفه خاص، تخصص و تبحر دارند، اگر چه میزان تخصص و تبحرشان یکسان نیست.

در چهارمین مرحله، اعضای هر انجمن برحسب میزان تخصص و تبحر خود، درجه بندی می‌شوند. مثلاً انجمن فرهنگیان که همه فرهنگیان عادل شهر را در بر می‌گیرد اعضای خود را بر طبق میزان دانش و کارآرایی شان رده بندی می‌کند. چون همه اعضای انجمن، فرهنگی‌اند به خوبی می‌دانند که بر اساس چه معیارها و موازینی باید اندازه دانش و کارآرایی هر فرد را معلوم و معین داشت و چون همه عادلند، در تعیین اندازه دانش و کارآرایی هیچ فردی، از راه عدالت و انصاف منحرف نمی‌شوند و حکم ناصواب نمی‌کنند. شک نیست که هر شهری خود به مدیران و رؤسای کودکانها، دبستانها، مدارس و دبیرستانها و نیز رئیس و معاونین اداره آموزش و پرورش نیازمند است. آن گروه از اعضای انجمن فرهنگیان که برای تصدی مقامات و مناصب نامبرده شایستگی و لیاقت دارند به همین کارها گمارده می‌شوند و در شهر خود به خدمت می‌پردازند؛ اما اعضای از انجمن که از این حد فراتراند و برای تصدی مقامات و مناصب صلاحیت دارند که مورد نیاز شهر خودشان نیست (مثلاً می‌توانند رئیس آموزش پرورش استان باشند) به مرکز استان گسیل می‌شوند.

بدین ترتیب از هر یک از شهرهای استان گروهی از فرهنگیان عادل که دارای آگاهی و دانشی فراتر از حد نیاز شهر خود هستند به سوی مرکز استان روی می‌آورند. این گروه‌ها در مرکز استان گرد هم می‌آیند و گروه بزرگتری را تشکیل می‌دهند. این گروه بزرگ، باز افراد خود را برحسب اندازه دانش و کارآرایی، رده بندی می‌کند. تعدادی از این افراد، برای تصدی مقامات و مناصب اداره کل آموزش و پرورش استان برگزیده و تعیین می‌شوند و در مرکز استان خود به خدمت اشتغال می‌ورزند. ولی افراد

دیگر که دانش و کارآرایی بیشتر دارند و می‌توانند عهده دار مقامات و مناصبی گردند که در مرکز استان‌شان وجود ندارد به مرکز کشور فرستاده می‌شوند. هرکدام از استان‌های کشور گروهی از فرهنگیان عادل و واجد مراتب بالای دانش و کارآرایی خود را به مرکز کشور می‌فرستند. از مجموع گروه‌های فرهنگی که از استان‌های گوناگون به مرکز آمده‌اند، گروهی بزرگتر فراهم می‌آید. افراد این گروه نیز به طریق مشابه آنچه در پیش گفته شد، درجه بندی می‌شوند و تعدادی از آنها برای احراز مقامات و مناصب متعدد و متنوع وزارت آموزش و پرورش در مرکز تعیین می‌شود و در آن وزارت خانه آغاز به کار می‌کنند و بقیه که دانشمندترین و کارآمدترین فرهنگیان عادل و باتقوای مملکت هستند به مقام مشاورت رهبر در امور فرهنگی کشور، نائل آیند. از میان کسانی که متصدی مقامات و مناصب وزارت آموزش و پرورش می‌شوند، کسی که بیش از دیگران به کارهای اجرایی اشتغال داشته و از مدیریت و تدبیر بهتری برخوردار است، وزیر آموزش و پرورش می‌شود. آنان که مشاوران رهبر در امور فرهنگی هستند شورایی تشکیل می‌دهند. کار آن شورا آن است که به تدریج، جمیع احکام و مقررات مورد نیاز در آموزش و پرورش کل کشور را وضع و تصویب کند و برای آن که شرعیت و قانونیت بیاید، به امضای رهبر برساند.

اصناف واقشار دیگر نیز همه این امور را به انجام می‌رسانند و جمیع این مراحل را عملی می‌سازند. بدین شیوه همه مقامات و مناصب اجرایی کشور، متصدیان صالح و شایسته، عادل و دانشمند و کارآمد می‌یابد و هم برای هر یک از امور و شؤون مملکتی، شورای قانون گذاری جداگانه‌ای به وجود می‌آید.^۱

۱. محمدتقی مصباح یزدی، حقوق و سیاست در قرآن، ص ۲۳۶-۲۳۸.

مزایای این طرح

اول اینکه در این نوع انتخاب، ملاک اصلی عدالت بوده و مسئولین بر اساس عدالت برگزیده می‌شوند، این روش افراد عادل را برمسند می‌نشانند که خود مطابق آیه کریمه «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ»^۱ با استفاده از این آیه می‌توان مناصبی که ارتباط با مردم دارند در نظام اسلامی نوعی امانت دانست و طبق امر خدا مردم وظیفه دارند که امانت را به اهلس بسپارند. در این روش دیگر صحبت از رقابت و شرایط رقابت برای رسیدن به منصب نیست تا با وعده و وعید و تبلیغات بشود مردم را فریب داد. مردم در این طرح برای انتخاب، معیارهای الهی را در نظر می‌گیرند و انتخاب افراد عادل را وظیفه شرعی خود می‌دانند. طبق تعریف عدل که امیرالمومنین علیه السلام فرمودند: «الْعَدْلُ يَضَعُ الْأُمُورَ مَوَاضِعَهَا»^۲ انتخاب صحیح مسئول و قرار دادن او در منصب شایسته در حکومت اسلامی، عادلانه رفتار کردن است. وقتی مسئولان افراد عادل باشند مردم هم همانند مسئولان، عدل را سرلوحه زندگی خود قرار می‌دهند؛ «النَّاسُ عَلَىٰ دِينِ مُلُوكِهِمْ»^۳ مردم تابع مسئولین هستند اگر آنان دنیا طلب و اشرافی زندگی کنند مردم هم رو به اشرافیگری می‌آورند. اگر عادلانه رفتار کنند مردم هم همینطور عمل می‌نمایند.

دوم آنکه تمام مسئولین حتی در روستا و شهرهای کوچک با رأی مردم (البته با واسطه) انتخاب می‌شوند، مردم به افراد عادل رأی می‌دهند، افراد عادل بر اساس تخصص‌هایی که وجود دارد تقسیم می‌شوند و افرادی که صلاحیت بیشتری دارند به مناصب برگزیده می‌شوند. در این روش:

۱. «خدا به شما فرمان می‌دهد که سپرده‌ها را به صاحبان آنها رد کنید و چون میان مردم داوری می‌کنید به عدالت داوری کنید».

سوره نساء (۴)، آیه ۵۸.

۲. نهج البلاغه، حکمت ۴۳۷.

۳. محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۷.

۱- نظام شایسته سالاری پیاده می‌شود و افرادی که دانش بیشتر و کارآرایی مناسب تری داشته باشند انتخاب می‌شوند.

۲- مسیر برای پیشرفت دیگران باز است و هر وقت از خود شایستگی بروز دهند مدنظر سایرین که عادل هستند قرار می‌گیرند و برای مناصب مختلف به کار گرفته می‌شوند.

سوم اینکه در این روش بر خلاف سایر نظام‌های انتخاباتی، دیگر نیاز به هزینه‌های هنگفت نیست. چون مردم با برداشتی که در طی سالیان از شخصی به دست می‌آورند او را برمی‌گزینند و کسی دیگر نیاز به هزینه کردن برای شناساندن خود ندارد. در این روش فرد منتخب دیگر وامدار افراد ثروتمندی که بر روی او سرمایه گذاری کرده باشند نیست و بر اساس آنچه که صلاح عموم است تصمیم اتخاذ می‌کند. در این روش برخلاف سایر روش‌های انتخاباتی که برای کاندیدا شدن و در معرض رأی عموم قرار گرفتن نیاز به یک هزینه سرسام آوری است، به هیچ هزینه‌ای احتیاج نیست.

چهارمین امتیاز در این روش آن است که اگر فردی در روستایی شایسته باشد، چون افراد عادل بر سرکار هستند این امید را دارد تا به واسطه شایستگی خود، به بالاترین منصب کشوری در حوزه تخصص خود قرار گیرد و این خود باعث امید و نشاط در میان تمام افراد، حتی در دور افتاده ترین مناطق می‌شود، و خود دلیلی بر مشارکت گسترده مردم در انتخابات می‌باشد.

پنجمین نکته در این روش انجام کارها به صورت تخصصی است. تعدادی از دانشمندان و متخصصین در رشته‌های مختلف از سرتاسر کشور دور هم جمع شده‌اند و بامشورت و هم اندیشی طرحی را به سرانجام می‌رسانند و آن طرح با امضاء ولی فقیه به قانون تبدیل و تصویب می‌شود.

چنین قانونی:

۱- چون متخصصین همان رشته طراحی کردند تمام جوانب آن را سنجیده‌اند و قانون کامل و پخته‌ای می‌شود.

۲- چون متخصصین همان رشته این قانون را نوشته‌اند باقوانین دیگر در این رشته تداخل پیدا نمی‌کند که مجبور بشوند دائم بخشنامه صادر کنند و قوانین خود را نقض نمایند.

معمولا در تصویب قانون، اول کمیسیون مربوطه نظر می‌دهد و بعد از آن به رأی اکثریت گذاشته می‌شود و افرادی که چه بسا تخصصی در مورد آن قانون ندارند، رأی می‌دهند و امکان دارد رأی اکثریت با آن چیزی که در کمیسیون تخصصی تصویب شده کاملا فرق داشته باشد.

ششم آنکه در این روش انتخابات، یک رویه تخصصی یک نواخت صورت می‌گیرد که با تغییر هر فرد یا گروهی شاهد تغییر رویکردها و رفتارها نیستیم. آنچه که منافع عمومی را جلب می‌کند و برای جامعه مفید است در طول سالیان متمادی رخ می‌دهد. در واقع اصالت طرح و کارایی آن ملاک است نه اینکه چه فرد یا گروهی باچه سابقه‌ای آن را مطرح کرده‌اند.

گاهی طرح‌هایی با تغییر افراد یا گروه‌ها - علی‌رغم مناسب بودن - به فراموشی سپرده می‌شوند یا تغییر مذاق‌ها باعث شده تا مسیری که چندین سال، گذشتگان طی کردند به کلی تغییر کند و مسیری تازه‌ای بدون توجه عقلی و فقط به خاطر مخالفت با تفکر و دیدگاه فردی و حزبی با مسئولین گذشته شروع شود و تا این مسیر جدید بخواهد آزمون و خطا شود چقدر زمان و سرمایه از دست رفته است.

هفتم این که در این روش دیگر عزل و نصب‌های بی‌مورد صورت نمی‌گیرد. متأسفانه در بعضی از عزل و نصب‌ها کارآمدی خیلی ملاک نیست، توصیه‌ها و

غضب‌ها در بعضی از جابجایی‌ها حرف اول را می‌زند و شاهد این بوده که مسئولی برای ماموریت به منطقه‌ای رفته بود یا وعده بیست و چهار ساعته برای حل معضلی داده بود و قبل از سرآمدن وعده، خود معزول گشت. در این طرح چون افراد عادل در مسند هستند و بر اساس عدالت رفتار می‌کنند چنین اتفاقاتی رخ نمی‌دهد.

هشتمین فایده در این طرح؛ مردم از منتخبان خود فراتر از وظیفه انتظار ندارند. در روش‌های دیگر مشاهده می‌شود که به طور مثال مردم یک حوزه انتخابیه از نماینده انتظار دارند که برای آن‌ها راه و جاده و... فراهم کند که جزء وظایف نماینده نیست، از طرفی هم نماینده چون برای دوره بعد نیاز به رأی مردم دارد مجبور است که از این قبیل کارها را برای حوزه انتخابیه خود انجام دهد و از آنجایی که این امور در اختیار قوه مجریه است، نماینده مجبور می‌شود که در وادی دادوستد با قوه مجریه برآید که این رفتار او را از وظایف اصلی خود که نظارت است باز می‌دارد.

نهم آنکه یکی از مشکلات هر حکومتی این است که به دلیل گستردگی قلمرو آن تمام افراد شایسته را نمی‌تواند شناسایی کند و به استخدام در بیاورد، اما در این طرح در دور افتاده‌ترین منطقه کشور هم اگر فرد شایسته‌ای وجود داشته باشد، شناسایی می‌شود و تا بالاترین مناصب کشوری هم می‌تواند پیشرفت کند.

دهم این که بنا بر نظر بعضی از علما مجلس نمی‌تواند مستقلاً قانون گذاری نماید و طبق نظر این بزرگواران قوانینی که مجلس تصویب می‌نماید، مشروعیت ندارد؛ اما در این روش از آنجایی که تمامی شوراهایی که تشکیل شده در مقام مشاور رهبری می‌باشند و مصوبات آنها با امضای رهبری تصویب و تبدیل به قانون می‌شود و اگر هم رهبری نپذیرفت با مشورت آنان، طرح را کنار می‌گذارند، ایراد این بزرگواران به تصویب قانون هم برطرف می‌شود.

ایرادات به این طرح

- ۱- از آنجایی که مهم ترین ملاک در این طرح، عدالت است برای انتخاب شدن، مسئله مهم این است که معیار تشخیص عدالت چیست؟ چطور می توان بین دونفر تشخیص داد که کدام عادل تر است؟ در واقع معیاری برای اندازه گیری عدالت وجود ندارد و عدالت یک صفت درونی است هرچند که گفته شود در اعمال انسان ظهور و بروز پیدا می کند باز قابل سنجش نمی باشد.
- ۲- برای نفوذ، هستند افرادی که خود را به شکلی نشان دهند که باطن آنان با ظاهرشان فرسنگها فاصله داشته باشد و از آنجایی که مردم هم در این طرح ظاهر اعمال انسان را می بینند امکان دارد که در انتخابشان اشتباه کنند و فردی که صلاحیت ندارد را به واسطه ظاهر سازی که صورت گرفته انتخاب نمایند.
- ۳- در این طرح برای اقلیت های مذهبی فکری نشده است و در این حالت اقلیت های مذهبی هیچ مسئولیتی نمی توانند داشته باشند حتی در پایین ترین حد مسئولیتی در یک شهر کوچک.

جمع بندی

با استفاده از این طرح در انتخاب مسئولین که طرحی بومی و موافق با شرع می باشد و از آنجا که بر عدالت تأکید فراوان دارد و سیستم انتخابات به گونه ای است که در هر پست، شایسته ترین فرد بر منصب می نشیند می توان این ادعا را نمود که با عملیاتی کردن این نوع انتخابات نظام جمهوری اسلامی ایران دارای مسئولینی خواهد شد که در رشته خود دارای تخصص و از سلامت نفس برخوردار هستند و در واقع تخصص و تعهد را با هم جمع کردند و در سایه این نوع انتخابات، شاهد پیشرفت در نظام قانون گذاری کشور و کارآمدی روز افزون نظام اسلامی خواهیم بود. انتخاباتی در سایه مردم سالاری همه جانبه که فرق آن با دموکراسی در این است که:

۱- این مردم سالاری در پرتو دین است. خواست مردمی بر مسند می نشیند که در مسیر انوار دین قرار گرفتند و براساس تکلیف و معیارهای دینی فردی را برگزیده اند، نه افرادی که فقط دنبال منافع خود و گروه خود هستند.

۲- در دموکراسی معمولاً افرادی که پنجاه و یک درصد آراء را کسب کنند بر دیگران حکومت می کنند در صورتی که چهل و نه درصد مخالف آنها و روش حکومت کردن آنها می باشند که مسولان، فرد یا افراد مورد انتخاب آنها نبودند؛ اما در این طرح از آنجا که معیار عدالت است نه کثرت عددی، لذا در جای جای این کشور برطبق این نظام انتخاباتی هرکسی که به مسئولیتی انتخاب می شود رضایت همگان را دارد چون فردی است که عدالت او احراز شده و آن شخص مصداقی از مومن عادل است که نظر رأی دهندگان بوده است.

پیشنهاد‌های اصلاحی:

برای هر چه بهتر شدن این طرح و رفع نواقص آن پیشنهاد می‌شود که:

۱- برای هر منصبی که قرار است افراد در آن قرار بگیرند، چه عدالتی باید در نظر گرفته شود، به طور مثال برای پایین ترین مناصب نیاز به عدالت حداقلی در حد رعایتی که یک امام جماعت باید بنماید و در مناصب حساس تر و بالاتر عدالتی که یک قاضی باید دارا باشد، مد نظر باشد.

هر قدر تعریف دقیق تری از عدالت و مراحل آن صورت بگیرد و جایگاه‌ها و حساسیت آن‌ها به درستی بررسی شود، در انتخاب و گزینش کمتر ایراد و مشکل پیش خواهد آمد.

۲- در انتخاب مسئولین علی رغم نظارت مردم بر نحوه رفتار فرد مورد انتخاب، دستگاه‌های امنیتی هم رصد کنند تا فردی با ظاهر سازی و فریب مردم، قصد نفوذ نداشته باشد.

۳- باید بر اساس ظرفیت‌های فقه جعفری و با دیدگاه فقه حکومتی تا آنجایی که برای تصاحب منصب توسط هموطنان اقلیت مذهبی ایرادی ندارد شرایط را برای روی کار آمدن آنها فراهم نمود.

نتیجه‌گیری

برای ایجاد نظام انتخاباتی کارآمد نیاز به داشتن اطلاعات دقیق نسبت به مکتب، هنجارهای جامعه، فرهنگ و خواست حاکمان و مردم است. نظام انتخاباتی، کارآمد خواهد بود که این مؤلفه‌های اساسی را برای تبدیل آراء مردم به مناصب و مسئولیت‌های حکومت دارا باشد. آنچه که در انتخابات ملاک می‌باشد کثرت آراء است و در واقع این کثرت آراء یک نقیصه برای نظام‌های انتخاباتی محسوب می‌شود، از آنجایی که برای رسیدن به مسئولیت نیاز به تعداد آراء بیشتر از دیگران است خود زمینه بروز مشکلات از جمله فریب مردم برای دادن آراء به تفکر و فرد خاص می‌شود. در واقع تا موقعی که ملاک انتخاب، تعداد است از این قبیل مشکلات هم ایجاد می‌شود. اگر در انتخابات بجای کمیت، کیفیت ملاک باشد می‌توان بر ناهنجاری‌های پیش آمده در انتخابات فائق آمد.

قراردادن عدالت به عنوان ملاکی در انتخاب افراد برای تصدی مناصب در حکومت باعث می‌شود تا دیگر، شاهد بد اخلاقی‌های انتخاباتی نباشیم و از طرفی با ایجاد سازوکار مطرح شده رجوع به متخصصان هر امر فراهم می‌شود.

انتخاباتی که از دل آن افراد عادل و متخصص بیرون آیند می‌تواند نمونه‌ای کامل از یک نظام انتخاباتی کارآمد باشد که منطبق با شرایط جامعه و آموزه‌های دینی می‌باشد که خود بر پیشرفت هر چه بیشتر حکومت اسلامی منجر می‌شود.

فهرست منابع و مآخذ

- قرآن کریم.
 نهج البلاغه.
۱. ابن منظور، محمدمصری، لسان العرب، قم، نشرادب الحوزه، ۱۴۰۵ ق.
 ۲. اخوان کاظمی، بهرام، رویکردی به مردم سالاری دینی از زاویه نقد دموکراسی لیبرال، مطالعات معرفتی در دانشگاه اسلامی، زمستان ۱۳۸۲، سال هفتم، شماره ۴.
 ۳. افلاطون، جمهور، ترجمه فؤاد روحانی، تهران، شرکت انتشارات علمی فرهنگی، ۱۳۸۳.
 ۴. انصاری، مرتضی، مکاسب، قم، انتشارات دهقانی، ۱۳۷۴.
 ۵. آقابخش، علی، فرهنگ علوم سیاسی، تهران، انتشارات چاپار، ۱۳۷۹.
 ۶. بشیریه، حسین، تاریخ اندیشه‌ها و جنبش‌های قرن بیستم، اندیشه‌های لیبرال دموکراتیک، اطلاعات سیاسی اقتصادی، مرداد و شهریور ۷۴ شماره ۹۶-۹۵.
 ۷. بشیریه، حسین، درس‌های دموکراسی برای همه، چ دوم، تهران: نگاه معاصر، ۱۳۸۱.
 ۸. جوادی آملی، عبدالله، ادب فنای مقربان، چاپ دوم، نشر اسراء، ۱۳۸۵.
 ۹. جوادی آملی، عبدالله، انتظار بشر از دین، چاپ سوم، نشر اسراء، ۱۳۸۴.
 ۱۰. خمینی، روح الله، کتاب البیع، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۸ ق.
 ۱۱. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه دهخدا، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۱.
 ۱۲. راش، مایکل، جامعه و سیاست، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی سیاسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: سمت، ۱۳۷۷.
 ۱۳. العاملی، زین الدین الروضة البهیه فی شرح اللمعة الدمشقیه بیروت دارالعالم الاسلامی، ۱۴۱۲ ق.
 ۱۴. عمید، حسن، فرهنگ فارسی، تهران، نشر امیرکبیر، ۱۳۸۷.
 ۱۵. عنایت، حمید، بنیاد فلسفه سیاسی در غرب، چاپ سوم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۵۷.
 ۱۶. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، بایسته‌های حقوق اساسی، تهران: میزان، ۱۳۹۸.
 ۱۷. قاضی شریعت پناهی، سید ابوالفضل، حقوق اساسی و نهادهای سیاسی، چ چهارم، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۲.
 ۱۸. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، مؤسسه الوفاء، بیروت ۱۴۰۴ ق.
 ۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی، حقوق و سیاست در قرآن، چاپ چهارم، قم، مؤسسه امام خمینی، ۱۳۹۱.
۲۰. Denis Galligan & Mila Versteeg (2013). Law, David S, The Myth of the Imposed Constitution, The Social and Political Foundations of Constitutions (eds) Cambridge University Press 2013; Washington University in St. Louis Legal Studies Research Paper No. 13-05-01. Available at, pp. 239-68.